



مروری بر «فلسفه تاریخ» استاد مطهری

• حسین علیزاده

- فلسفه تاریخ (۴ مجلد)
- مرتضی مطهری
- انتشارات صدرا، چهار جلد، ۱۳۸۶، ۱۲۰۰ صفحه

بودند این موضوع را در پرتو آموزه‌های قرآنی و اسلامی بررسی کنند. «علم تحولات جامعه» از دکتر حمید حمید و «تاریخ در ترازو» از دکتر عبدالحسین زرین کوب، نمونه‌هایی دیگر از تلاش اندیشمندان ایرانی در این باب و شامل مباحثی در این موضوع است.

در برخی از آثار مربوط به اندیشه‌های ابن خلدون نیز، این مباحث کم‌وبیش در کنار بعد جامعه‌شناسی آن مطرح شده است. «شهید صدر» هم تحت عنوان «سنت‌های الهی در قرآن و فلسفه تاریخ» به طرح مباحثی در این راستا پرداخت و کوشید که تفسیری موضوعی از قرآن در این باب ارائه دهد که ۲-۳ ترجمه از کتاب عربی ایشان هم منتشر شد. استاد مصباح یزدی نیز در کتابی با عنوان «جامعه و تاریخ در قرآن» برخی از دیدگاه‌های فلسفی خود را در باب تاریخ بیان کرد که در آن با برخی از مبانی استاد شهید و مرحوم علامه طباطبایی همچون شخصیت مستقل داشتن جامعه و ترکیب حقیقی و حیات و هویت واحد آن، هم‌داستان نیست. دکتر سروش نیز در جزوه‌ای به فلسفه تاریخ پرداخت (سال ۵۷)، که بعداً به صورت مکتوب منتشر شد.

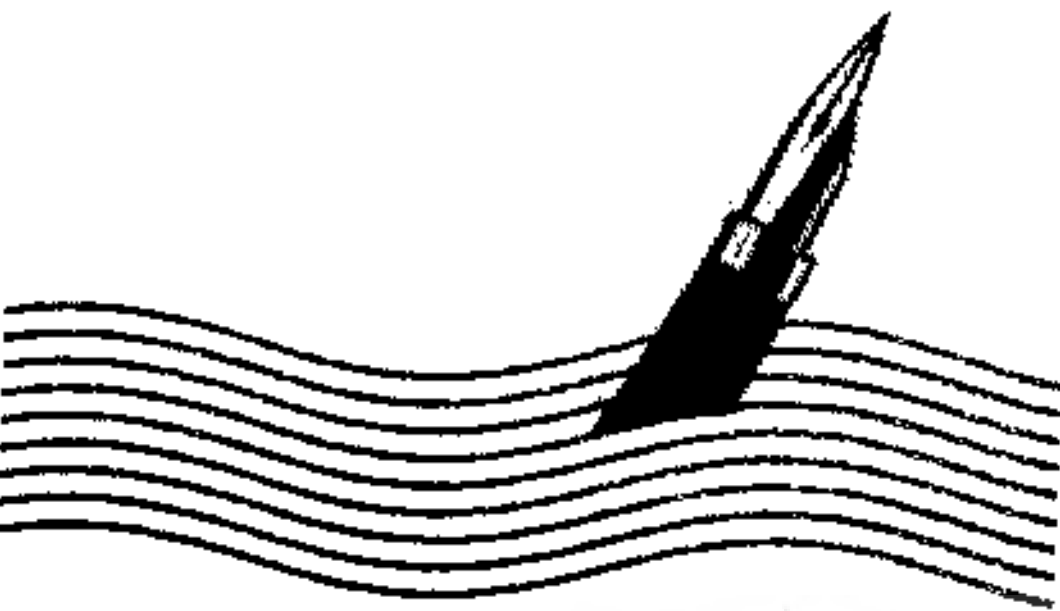
در دهه‌های اخیر و همزمان با فروپاشی شوروی و سقوط اعتبار و اهمیت مباحث مارکسیستی و توجه به نگرش ایدئولوژیک، بحث فلسفه نظری تاریخ رو به کاهش نهاد. اما از وجهی دیگر و با عنوان فلسفه علم تاریخ، این مبحث به صورت دانشگاهی پی گرفته می‌شود؛ به‌عنوان نمونه از یک متن مهم و مفصل در این عرصه می‌توان نام برد، که در سال ۱۳۷۹ در ۶۳۸ صفحه با عنوان «فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری»، از سوی انتشارات طرح نو منتشر شد. بیشتر

در آغاز

«به یک اعتبار همه چیز در عالم تاریخ دارد، چون تاریخ یعنی سرگذشت.»
این جمله‌ای است کوتاه که با آن کتابی بلند آغاز می‌شود، کتابی با عنوان «فلسفه تاریخ» از استاد شهید مرتضی مطهری که همچون اغلب آثار استاد، توسط انتشارات صدرا ارائه شده است.

کتاب مذکور که حاصل جلسات درسی آن استاد بوده است، نخست در بهار ۱۳۶۹، چاپ شد و به سرعت به چاپ‌های متعدد رسید. سپس به ۴ مجلد بالغ شد و سرانجام به عنوان جلد پانزدهم از مجموعه آثار استاد در متجاوز از ۱۲۰۰ صفحه، (قطع وزیری)، عرضه شد و بدین‌گونه، یکی از آثار مفصل و (چنانکه خواهیم دید) عمیق و مهم در موضوع خود، پای به عرصه نهاد و حجم قابل ملاحظه‌ای بر برگ و بار نه‌چندان حجیم این بحث در زبان فارسی افزوده کرد.

هرچند پیشینه این بحث در میان مسلمانان، دست‌کم به ابن خلدون و مقدمه معروف او در قرن هفتم هجری می‌رسد، اما در دهه‌های پیشین و به‌ویژه سالیان قبل از انقلاب، موضوع فلسفه تاریخ ذیل مبحثی که امروزه با نام «فلسفه نظری تاریخ» شناخته می‌شود، بیشتر از سوی مارکسیست‌ها و به صورت ترجمه‌ای مطرح شده بود، چنانکه از پیشگامان آن در ایران، دکتر امیرحسین آریان‌پور بود با کتابی به نام «در آستانه رستاخیز» سپس برخی از اندیشمندان مسلمان همچون دکتر علی شریعتی و دکتر حبیب‌الله پیمان (پایدار)، تحت تأثیر مارکسیسم آثاری در این باب پدید آوردند که البته کوشیده



مطالب این کتاب، ترجمه و برگرفته از منابع غربی است. مترجم این کتاب حسینعلی نوذری است. بنابراین، با توجه به مأخذیابی و کتاب‌شناسی اجمالی‌ای که در این باب کرده‌ایم و به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، می‌توان گفت که تاکنون مفصل‌ترین متن و یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در حوزه فلسفه نظری تاریخ، همین اثر استاد مطهری است که در این مقاله بر آن مروری خواهیم داشت و در پایان، پس از معرفی اجمالی و توصیفی هر جلد، در جمع‌بندی و ارزیابی آن خواهیم افزود.

۱- عوامل محرک تاریخ

مطالب این کتاب، ترجمه و برگرفته از منابع غربی است. مترجم این کتاب حسینعلی نوذری است. بنابراین، با توجه به مأخذیابی و کتاب‌شناسی اجمالی‌ای که در این باب کرده‌ایم و به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، می‌توان گفت که تاکنون مفصل‌ترین متن و یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در حوزه فلسفه نظری تاریخ، همین اثر استاد مطهری است که در این مقاله بر آن مروری خواهیم داشت و در پایان، پس از معرفی اجمالی و توصیفی هر جلد، در جمع‌بندی و ارزیابی آن خواهیم افزود.

این مجموعه ۴ جلدی ده‌ها جلسه بحث و گفت‌وگوهای استاد است که در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ با حضور جمعی از شاگردان در منزل استاد برگزار می‌شده است. روش درس به این صورت بود که کتابی در موضوع مذکور معرفی می‌شد و دانشجویان به ترتیب، بر اساس بخش‌های مختلف آن، کنفرانس می‌دادند و استاد در ضمن آن یا پس از آن، مطالبی ایراد می‌کرد، و گه‌گاه، دانشجویان پرسش‌های خود را نیز مطرح می‌کردند. بنابراین، بخشی از مطالب مطرح شده، به‌ویژه در ۳ جلد اول، از استاد نیست و یا نقل قول از کتاب‌های مزبور است و عمده آراء و نظرات ایشان بیشتر در جلد ۴ دیده می‌شود.

در نخستین جلد از مجموعه فلسفه تاریخ، بخشی از کتاب «لذات فلسفه» اثر ویل دورانت، مورخ و فیلسوف آمریکایی و کتاب «تاریخ چیست؟» اثر ای. ای. ج. کار بحث و بررسی شده است که در موضوع خود کتاب مهمی است و بخشی از مطالب آن ناظر به مباحث فلسفی تاریخ است. جالب این است که با وجود مباحث نظری و فلسفی که معمولاً خشک و دشوار است، جلد اول که زودتر از بقیه هم منتشر شد، تاکنون به چاپ ۱۴

رسیده است. این جلد شامل هفت بخش به شرح ذیل است:

بیشترین مباحث این بخش که حدود یکصد صفحه است، نقل و بررسی بخش‌هایی از کتاب لذات فلسفه ویل دورانت تشکیل می‌دهد و در آن این پرسش‌ها و نکات مهم مربوط به آن به تفصیل مورد تشریح و یا پاسخگویی و تدقیق قرار دارد: آیا تاریخ بر اساس تصادف است؟ ارزش تاریخ در چیست؟ فرق میان تحول تاریخ و تطور آن چیست؟ نظریه ادواری بودن تاریخ چگونه است؟ توجیه حرکت تاریخ بر اساس دین و از دید مذهبی چگونه است؟ پس از توضیح مفهوم تصادف و علیت در تاریخ، ارزش تاریخ از دو جنبه بیان شده و آنگاه این نظریات دربارهٔ عامل تحول تاریخ پس از اشاره به «دید مذهبی در تاریخ» مورد بررسی قرار گرفته است: نقش نوابغ، نقش تراکم دانش و اطلاعات، اختراعات، خون و نژاد و ابتکار در انسان. سپس به نظریه هگل درباره روح زمان و بررسی آن پرداخته شده و در ادامه تبیین نقش اغلب عوامل یاد شده و عوامل دیگر در خلال بحث‌های مربوط، هدف قرار گرفته است. در این بخش، حجمی از مطالب به نظریه اقتصادی تاریخ و به اصطلاح زیربنا بودن و اصالت اقتصاد در فلسفه مارکس مورد توجه قرار گرفته و نیز به عامل جغرافیا و تأثیر عوامل محرک تاریخ در یکدیگر و قابل جمع بودن نظریه تأثیر نوابغ با اغلب نظریات دیگر اشاره شده و در پایان به ارزش وجدان انسان (به‌ویژه از دیدگاه مارکسیسم) و سپس ایده‌آلیسم اخلاقی توجه شده و نشان داده شده که همه جنگ‌ها بر خلاف مارکسیست‌ها ریشه اقتصادی ندارد. همچنین اصول چهارگانه دیالکتیک و رابطه بینش دیالکتیک با زیربنا

بودن اقتصاد مطرح شده و در پایان نشان داده شده است که در این میان مارکسیست‌ها نقش وجدانیات انسان را دست‌کم گرفته‌اند.

۲- ارزش تاریخ

در این بخش کوتاه به دو عیب کتاب‌های تاریخ پرداخته شده که عبارتند از: یکی غرض‌آلود و دروغ بودن اکثر گزارش‌های تاریخی کاتبان وابسته به قدرت‌های وقت. دوم وابسته بودن افراد غیر اجیر و غیر مزدور به عقیده یا تعصباتی که موجب گزینش وقایع و جهت‌گیری خاص و نگاه سلیقه‌ای و دوری از واقع‌بینی و بی‌طرفی شده است. در عین حال، استاد نظریه بی‌ارزشی تاریخ را مورد نقد و ردّ قرار داده و ضمن پاسخ به این سؤال که واقعه تاریخی کدام است؟ به تبیین وظیفه مورخ پرداخته است.

۳- جامعه و فرد

در این بخش، دیدگاه‌های استاد دربارهٔ اصیل بودن فرد یا جامعه که در دیگر کتاب‌هایشان همچون «جامعه و تاریخ» نیز مطرح شده، به بحث گذاشته شده و اینکه آیا ترکیب جامعه از افراد، ترکیبی حقیقی است یا اعتباری؟ همچنین در پاسخ به اینکه آیا انسان اجتماعی آفریده شده؟ به نظریه دورکیم و نیز تبیین نظریه مورد قبول خویش که معطوف به «فطرت انسانی» است، پرداخته شده و باز به نقش نوابغ و قهرمانان اشاره شده است.

۴- تاریخ و علم، تاریخ و مذهب، تاریخ و اخلاق

در این بخش، نظریات مختلف در باب علم نبودن تاریخ بررسی و عمدتاً ردّ شده و از علم بودن آن با وجود پیچیدگی‌ها و نسبیتهای تاریخی، دفاع شده است.

آنگاه به این پرسش پرداخته شده که چرا برخی پیش‌بینی‌های تاریخی واقع نمی‌شود؟ و آیا جامعه انسانی هدف دارد؟ همچنین دربارهٔ شخصیت مورخ و معیار قضاوت او، داوری اخلاقی دربارهٔ فرد در تاریخ پرداخته شده و نسبت به ساده‌انگاری در قضاوت‌های تاریخی هشدار داده شده و در پایان این بخش، برخی از نتایج اجتماعی داستان موسی و خضر که

در پایان سورهٔ کهف آمده و عمدتاً از آن نتایج عرفانی گرفته‌اند، بیان شده است.

۵- علیت در تاریخ

وظیفه مورخ، جبر تاریخ، تصادف در تاریخ و نقل و بررسی سخن منتسبکو، مارکس و ترونسکی در این باره، مطالب این بخش را تشکیل می‌دهد.

۶- تکامل تاریخ

تعریف «تکامل در تاریخ» اشاره به «تفسیر الهی تاریخ»، درماندگی در تفسیر تکامل و نظریه صحیح در باب تکامل تاریخ، فرق تام و کامل، ملاک تکامل، تکامل علم تاریخ، تکامل جامعهٔ انسان، مسأله بایدها و ارزش‌ها، تطابق اکثر واقعیت‌ها با ارزش‌ها در تاریخ، برخی از اهم عناوین و بحث‌های مطرح شده در این بخش است.

۷- پیش‌بینی آینده

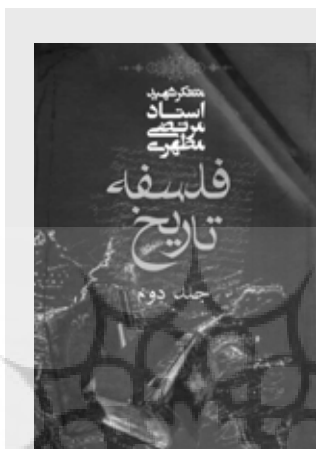
آگاهی انسان در برابر طبیعت، نسبیّت به خود و نیز آگاهی انسان از تاریخ خود، خودآگاهی در برابر سنت‌ها و هماهنگی تمایلات با طبیعت انسان و نقل جملاتی از کتاب تاریخ چیست از قول آدام اسمیت و هگل در این باره و تأیید آنها از سوی استاد، از جمله مباحث بخش پایانی جلد اول است.

در این بخش، ضمن بیان ایراد نظریه مارکس در باب آگاهی، تکامل در جهت آزادی از سنت‌ها و تقلید از گذشتگان مطرح شده است.

در جلد دوم کتاب، بخشی از کتاب «مارکس و مارکسیسم» اثر آندره بی‌یتر

چاپ دانشگاه تهران تجزیه و تحلیل شده است.

این جلد شامل سه بخش است: در بخش اول ریشه‌های فکری فلسفه مارکس بررسی شده و تأثیرپذیری مارکس از هگل و فویرباخ مورد بحث بوده است. تقسیم فلسفه به دو نوع ایده‌آلیستی و ماتریالیستی، سخن خاص هگل که ضد هر چیزی از درون خودش جوانه می‌زند، نقش تضادها، مکانیسم‌جدل و اندیشه و عمل، مثلث تز و آنتی تز و سنتز، داروینیزم و نظریه مارکس، منشأ پیدایش دین از نظر فویرباخ و مسأله ازخودبیگانگی و سخنان عرفا در این باب، برخی از اهم مطالب این بخش است.



از لحاظ غنای اندیشه قرآنی، استاد متجاوز از ۳۳۰ آیه مربوط به بحث در قرآن کریم را، بعضاً چندبار و از زوایای گوناگون، در خلال بحث‌ها مطرح کرده و با اتکا به عقل و روایات و تفاسیر پرمحتوایی همچون المیزان به تفسیر آنها پرداخته‌اند

در بخش دوم، با عنوان مادی‌گرایی تاریخی، نظریه معروف مارکس در این باره تحلیل شده و درباره تناقض میان این نظریه و منطق دیالکتیک و نیز درباره تعدیل مارکس و انگلس در نظریه جبر اقتصادی سخن رفته است.

در پی تشریح اصول مکتب مارکس، اصل تأثیر متقابل و اصطلاحاتی همچون ابزار تولید، نیروی تولیدی و روابط تولیدی از سوی استاد مطرح شده و در پاسخ به این سؤال که آیا جامعه و تاریخ تک ماهیتی است؟ نظریات گونه‌گون، نظریه مارکسیست‌ها، استاد شهید و عرفا مطرح شده است.

بخش سوم دربارهٔ پرکسیس یا فلسفه عمل است. رابطه انسان و کار، معنی دقیق «پرکسیس» و بررسی آن، پراگماتیسم و اینکه آیا علم معیار علم است یا عمل معیار علم، تعارض میان فلسفه عمل و جبر تاریخ، آزادی و اختیار انسان از نظر مارکسیسم، چرا در فلسفه مارکس کار جوهر انسانیت است، مفهوم خاص «کار» در مارکسیسم و توضیح این که «کار آفریننده انسان است» و شباهت این نظریه با عرفان و اینکه آیا جامعه و تاریخ تک ماهیتی است؟ از دیگر پرسش‌ها و مباحث مطرح شده در بخش پایانی جلد دوم است.

جلد سوم شامل ۵ بخش زیر و ظاهراً در ادامه جلد دوم است که بر مبنای کتاب مارکس و مارکسیسم بود:

در بخش اول نظریه تکامل تاریخی، بررسی شده و نقش انسان در تکامل تاریخ

و نظریه «اقتصاد قوه محرکه تاریخ» نقد شده است. در ادامه آمده است که تکامل ابزار تولید معلول تکامل انسان است نه برعکس.

در بخش بعدی، با عنوان تولید، به ادامه و تکرار و تکمیل برخی از مباحث پیشین دربارهٔ تکامل و وحدت واقعی جامعه و پیدایش مذهب و نقش تبلیغ پرداخته شده و چگونگی انتقال دوره‌های تاریخی از نظر مارکسیست‌ها نقد و بررسی شده است.

در بخش سوم، با عنوان دوره اشتراک اولیه، دوره برده‌داری، دوره فئودالیسم به ملاک‌های زندگی اشتراکی همچون ۱- تولید

جمعی ۲- ساده بودن ابزار تولید ۳- نبودن محصول اضافی و سپس سوسیالیسم اسلامی پرداخته شده و از انتقال به دوره برده‌داری سخن رفته است. ریشه‌های برده‌داری، مسأله بردگی در اسلام، دیکتاتوری پرولتاریا، پیدایش دولت و مذهب و نظریات مربوط به علت پیدایش مذهب همچون ترس و جهل و نقد آنها پرداخته شده و سپس بحث به انتقال از دوره بردگی به فئودالیسم و سپس دوره بورژوازی ختم شده است.

در بخش چهارم و پنجم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم با ویژگی‌ها و دیدگاه‌های گوناگون مربوط به آنها به‌ویژه دیدگاه مارکسیستی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و گه‌گاه با نظریات دیگران و دیدگاه‌های اسلامی مقایسه شده است. مسأله ماشین، نظریه عرضه و تقاضا، سپس دوره امپریالیسم و پیدایش کارتل‌ها و تراست‌ها و ایجاد انحصارها از دیگر مباحث این بخش و سرانجام تعاریف سوسیالیسم، سوسیالیسم علمی، عرفانی، تخیلی و واقعی، ارکان سوسیالیسم و راه وصول به آن مطرح شده و در پایان نتیجه گرفته شده است که سوسیالیسم به مقوله فرهنگ بستگی دارد نه اقتصاد.

چهارمین و آخرین جلد از مجموعه ۴ جلدی فلسفه تاریخ، اهمیت مضاعفی دارد چرا که بر خلاف ۳ جلد پیشین، که عمدتاً حاوی نقل و نقد دیدگاه‌ها و مکاتب دیگر و به‌ویژه مارکسیست‌ها بود، به تبیین و تشریح منظر قرآنی استاد اختصاص دارد و در حقیقت می‌توان آن مجلدات پیشین را در حکم تمهید و مقدمه‌ای برای این جلد پایانی دانست.

هرچند، استاد در آثار دیگر خود همچون «جامعه و تاریخ» و «قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ»، خلاصه آرای خود را در این باب آورده بودند؛ اما در این جا با تفصیل بیشتری به بحث پرداخته‌اند و به‌ویژه در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده توسط شاگردان و گفت‌وگو با شرکت‌کنندگان در بحث‌ها به نحوی دقیق‌تر و جزئی‌تر و موشکافانه‌تر وارد مباحث شده و آراء خود را مطرح کرده‌اند؛ به گونه‌ای که این اثر را در میان آثار قرآنی و نیز تاریخی و فلسفی استاد ممتاز می‌گرداند.



در دهه‌های پیشین و به‌ویژه سالیان قبل از انقلاب، موضوع فلسفه تاریخ ذیل مباحثی که امروزه با نام «فلسفه نظری تاریخ» شناخته می‌شود، بیشتر از سوی مارکسیست‌ها و به صورت ترجمه‌ای مطرح شده بود

جالب توجه است که از لحاظ غنای اندیشه قرآنی، استاد متجاوز از ۳۳۰ آیه مربوط به بحث در قرآن کریم را (بعضاً چندبار و از زوایای گوناگون) در خلال بحث‌ها مطرح کرده و با اتکا به عقل و روایات و تفاسیر پرمحتوایی همچون میزان به تفسیر آنها پرداخته‌اند.

به هر حال، این کتاب از جهات متعدد قابل توجه است و شایسته است که به طور مستقل مورد بحث و تحقیق قرار گیرد و در مجالی مناسب درباره آن به تفصیل سخن به میان آید. در ادامه، شیوه این گفتار و به رعایت اختصار، فقط به مروری بر آن و بیان چکیده‌ای از مطالب آن می‌پردازیم.

کتاب پس از مقدمه‌ای کوتاه (از سوی ناشر)، به ۲ بخش اصلی «جامعه در قرآن» و «تاریخ در قرآن» و هر بخش به چند فصل یا گفتار تقسیم می‌شود.

در بخش اول با عنوان ترکیب جامعه، به اجتماعی بودن انسان و چگونگی ترکیب جامعه پرداخته و با بیان ۴ نظریه در این باره، نظر چهارم را که در کلام علامه طباطبایی نیز آمده پذیرفته و آن را تشریح کرده‌اند. بنابراین بخش، ایشان معتقدند که تا مسأله جامعه حل نشود، بحث درباره فلسفه تاریخ بیهوده است. چرا که فقط اگر جامعه شخصیت و هویت داشته باشد و دارای شعور، اراده و حیات باشد، آنگاه تاریخ اقوام می‌تواند فلسفه داشته باشد؛ ولی اگر جامعه فقط یک امر اعتباری باشد، حرکت آن، به خودی

خود، دارای سنت و قانونی نیست و فقط افراد می‌توانند مورد نظر و یا مایه عبرت باشند.

بدین گونه است که بنابر استنباط ایشان، جامعه از نظر قرآن از افراد تشکیل دهنده خود استقلال دارد و در همان حال افراد هم استقلال نسبی خود را دارند و در جامعه کاملاً مضمحل و منحل نمی‌شوند. یعنی بر خلاف نظریه دورکیم و مارکسیست‌ها، نوعی جبر اجتماعی و محیطی بر افراد حاکم نیست و گاه می‌توانند در برابر جریان اجتماعی بایستند.

از دیدگاه استاد (و نیز استاد ایشان مرحوم علامه طباطبایی)، امته وجود و حیاتی فراتر و مستقل از افراد خود دارند و لذا عمر معین، کتاب و کارنامه اعمال و سرنوشتی معین نیز دارند.

در ادامه، آیات دال بر اجتماعی بودن انسان از سوره‌های حجرات، زخرف و... مطرح شده و آیاتی که دال بر حقیقی بودن ترکیب جامعه (و نه ترکیب ماشینی و اعتباری و اتحادی آن) آمده است. در فصل مربوط به اصالت یا اعتباری بودن جامعه به بیان نظریه فطرت پرداخته و آن را در کنار عامل طبیعت و جامعه، سه عامل سازنده شخصیت انسان دانسته‌اند. مسأله اسلام و ناسیونالیسم یا انترناسیونالیسم نیز به همراه آیاتی که ناظر بر نوعی استقلال برای افراد هستند، در این فصل مطرح شده است.

نظریه فطرت که نظریه مختار استاد شهید و مورد تأکید ایشان است، در پایان این بخش نیز به تفصیل مطرح شده و فطرت و ریشه ثبات اخلاق و نیز ریشه هویت فردی و اجتماعی انسان دانسته شده است.

بخش دوم کتاب، «تاریخ در قرآن»، در ۱۱ گفتار یا فصل شامل عناوین و مباحث ذیل است:

استاد سه نوع علم تاریخ را مطرح کرده‌اند: ۱- علم به وقایع گذشته ۲- تاریخ علمی ۳- فلسفه تاریخ

که نخستین را تاریخ نقلی دانسته و به بحث درباره فایده و اعتبار آن پرداخته و نیز ویژگی‌های تاریخ علمی را برشمرده‌اند.

نظریه مادیت تاریخ و تقسیم جامعه به دو طبقه با دو طرز فکر و سپس پیدایش تضاد و رد این نظریه از دیدگاه قرآن و بیان چگونگی دعوت‌های اسلام، گفتارهای بعدی را تشکیل می‌دهد.

خاستگاه مذهب عنوان گفتار بعدی است که در آن نظر ماتریالیست‌ها و نظریه درست مطرح شده و باز به توضیح بیشتر نظریه فطرت

پرداخته‌اند. در ادامه، بررسی آیات استضعاف و استکبار و تبیین گرایش‌های مذهبی از نظر قرآن صورت گرفته، چهار معنی برای دین نقل شده و همراه با نگرش قرآن به «دین» بررسی شده است و در گفتار بعد، به بررسی معنی اسلام، ایمان، شرک، اهل کتاب، کافر و منافق منتهی شده و گروه‌های چهارگانه‌ای که در مقابل حکومت علی (ع) بودند به ترتیب: اصحاب جمل یا ناکتین، اصحاب معاویه یا قاسطین، اصحاب نهروان یا خوارج و گروه اعتزالیون و به ظاهر بی‌طرفان دانسته شده‌اند.

در ادامه، تحت عنوان خوش‌بینی و بدبینی به جهان و انسان، به فیلسوفان بدبین و گریبان پرداخته شده و در برابر فکر ثنوی و نظریه مارکسیست‌ها به نظریه درست و نگاه خوش‌بینانه



نظریه فطرت که نظریه مختار استاد شهید و مورد تأکید ایشان است، در پایان این بخش نیز به تفصیل مطرح شده و فطرت و ریشه ثبات اخلاق و نیز ریشه هویت فردی و اجتماعی انسان دانسته شده است

قرآن به فرجام تاریخ و غلبه صلاح بر فساد در جامعه‌ها مطرح شده است. نبرد حق و باطل در قرآن گفتار پایانی کتاب است که باز در آن مورخان ماتریالیست و صاحبان نگاه مارکسیستی نقد شده‌اند و در ادامه، آیات متعددی در ذیل آن بحث بررسی شده است. به‌ویژه آیات ۱۷ سوره رعد، ۸۱ سوره انبیاء، آیات اول سوره محمد (ص)، و سپس سوره نساء و روم.

چنانچه اجمالاً دیدیم، مجلدات قبلی به منزله مقدمه و این جلد پایانی به مثابه نتیجه است و برخی از مطالب قبلی نیز در این جلد به صورت‌های مختلفی تکرار شده است؛ از جمله بارها به آرای دورکیم، علامه طباطبایی، مارکس، هگل و نیچه پرداخته شده و به‌ویژه به ابعادی از داستان مقابله موسی و فرعون در قرآن به تفصیل توجه شده است و نیز احادیثی از پیامبر (ص)، و امام علی (ع) و سخنان ایشان از نهج‌البلاغه در خلال بحث‌ها نقل و بررسی شده است.

نکاتی در پایان

۱- مجموعه «فلسفه تاریخ»، از استاد مطهری که تاکنون علی‌رغم چاپ‌های متعدد، چنانچه شایسته آن است، مورد توجه قرار نگرفته و تاکنون مقاله‌ای درباره آن منتشر نشده است، بدون تردید اثری است گران‌قدر و ممتاز و زینده که بایسته است مورد بحث و معرفی و کنکاش لازم قرار گیرد، چرا که بسیاری از مباحث آن در زمان خود و در زبان فارسی، ابتکاری هستند و برای نخستین بار مطرح شده‌اند و هنوز پس از گذشتن حدود سه دهه، جایگزین و مشابهی ندارند.

۲- این اثر در موضوع خود از نظر حجم و محتوا به کتاب گرانسنگ «اصول فلسفه و روش رئالیسم» شبیه و گویی در ادامه آن است، هر چند انسجام آن را ندارد. اصول مباحث هر دو کتاب از مرحوم علامه طباطبایی و شرح و بسط و تکمیل آن از استاد شهید است. بخش عمده‌ای از هر دو، در نقد فلسفه ماتریالیسم و مارکسیسم (منهای بعد سیاسی آن)، و هر دو در موضوع خود بسیار ارزشمند و ماندگارند. اثر ۵ جلدی روش رئالیسم نیز یکی از مجلدات حجیم و فخیم مجموعه آثار است، با این تفاوت که موضوع فلسفه تاریخ ویژه است ولی موضوع آن اثر، شامل اهم مباحث فلسفی.

۳- چنانکه گفتیم آغازگر این بحث در ایران، همچون بسیاری دیگر از کشورهای اسلامی، مارکسیست‌ها بوده‌اند و

روشنفکران چپ. از این‌رو و به علت جو غالب و غلبه گفتمان چپ در دوران پیش از انقلاب اسلامی، انگیزه و الگوی اصلی این کتاب نیز از آنها گرفته شده و حتی به عنوان عکس‌العملی در برابر موج فکری، آنان است، هر چند عکس‌العملی عالمانه که توأم با دقت نظر، نکته‌سنجی و نقد و مقایسه آراء گوناگون و سرشار از تأملات ارزشمند است.

۴- این اثر و سایر آثار مشابه استاد درباره مباحث نظری تاریخ، مقدمه‌ای برای ورود اندیشمندان به دیگر مباحث و مسایل تاریخی است و چون استاد شهید آثاری درباره تاریخ ایران و اسلام هم دارند، مجموعه آنها نشانگر جایگاه ارزشمند ایشان در مطالعات تاریخی دهه‌های اخیر در ایران و جهان اسلام است که در خور توجه بیشتر اهل نظر می‌تواند بود.

۵- از آنجا که مطالب کتاب به قلم استاد فراهم نیامده و حاصل گفتارهای ایشان است، طبیعی است که انسجام آثار مکتوب ایشان را ندارد و نیز حاوی تکرارهای گوناگون و گاه تداخل برخی از بحث‌هاست و از این‌رو، ای کاش صاحب‌همتی به تهذیب و تدوین دقیق‌تر آن بپردازد و متن فشرده‌تری بر اساس آن فراهم کند، که در آن صورت حتماً برای دانشجویان نیز در موضوع خود درس‌نامه‌ای ارزشمند خواهد بود. شبیه این کار درباره تعدادی از آثار استاد توسط دانشگاه امام صادق (ع)، انجام و منتشر شد ولی متأسفانه ادامه نیافت.

۶- بخش‌هایی از کتاب، به‌ویژه در سه جلد نخست، چنانکه گفتیم نقل قول و مبتنی بر سه کتاب دیگر مطرح در آن ایام بوده است؛ اما در چاپ‌های موجود، صفحات و مأخذ دقیق آن ذکر نشده است که خوب است این نکته نیز در چاپ‌های آینده رعایت شود.

۷- با همه اهمیت آراء اندیشمندانی همچون آرنولد توین‌بی، اشیپن‌گلر، گوینو و گوستاولوبون، در کتاب سخن چندان از آنان به میان نیامده و این نیز لابد به علت اولویت و اهمیت دیدگاه‌های مارکسیست‌ها در آن روزگار بوده است.

به هر حال، امیدواریم که علاقمندان به مباحث نظری و فلسفی تاریخ، نظر به مزایای فراوان این کتاب ارزشمند، از مطالعه و تأمل در آن بهره بیشتری ببرند و این نوشتار نیز، یاری خدا، کوششی در این مسیر تواند بود.

استاد معتقد است که تا مسأله جامعه حل نشود، بحث درباره فلسفه تاریخ بیهوده است. چرا که اگر جامعه شخصیت و هویت داشته باشد و دارای شعور، اراده و حیات باشد، آنگاه تاریخ اقوام می‌تواند فلسفه داشته باشد؛ ولی اگر جامعه فقط یک امر اعتباری باشد، حرکت آن، به خودی خود، دارای سنت و قانونی نیست و فقط افراد می‌توانند مورد نظر و یا مایه عبرت باشند